



داستانک:

حجه الاسلام فردوسی پور می گوید:

در رابطه با اجازه نشینی حضرت امام در جماران به قضیه ای اشاره می کنم . موضوعی که بیانگر تقید شدید امام به رعایت موازین و احکام شرعی به ویژه در مورد حقوق مردم و الگویی از یک مستاجر خوب و متشرع است.

با آنکه صاحبخانه امام از مقلدان و دلباختگان آن حضرت بود و سکونت امام را در خانه خود، بزرگترین افتخار زندگیش می دانست ؛ لیکن حضرت امام مثل یک فرد عادی که گویی هیچ گونه علقه ای بین مالک و مستاجر وجود ندارد، به احکام شرعی مربوط ملتزم بودند.

روزی برای تامین نور کافی و متناسب که برای فیلمبرداری از برخی ملاقاتهای رسمی یا برنامه هایی نظیر پیام نوروزی که در اتاق کار حضرتشان انجام می شد، مورد نیاز بود، سه نقطه از گچ سقف اتاق را هر یک به مساحت ۵*۵ سانتیمتر زیر تیر آهن تراشیده بودند. می خواستند نور افکن ها را به آن نقاط جوش دهند. هنگام که صبح ، طبق معمول خدمت امام مشرف شدیم ، قبل از هر چیز، با لحنی خشن و تند و قیافه ای ناراحت و مضطرب فرمودند:

این چیست، چرا این کار را کرده اند؟ به عرض رسید برای تامین نور فیلمبرداری است. بعد از لحظه ای تامل و سکوت تلخ ادامه دادند: چرا بدون اجازه صاحبخانه این تصرفات را می کنند؟ با این برخورد تند، جرات ادامه کار سلب شد واصل قضیه منتفی و جای آن تعمیر شد.

هنگامی که از خدمتشان مرخص شدیم ، جناب آقای صانعی با توجه به اینکه دهها سال با حضرت امام بودند، به من گفت : من در طول عمرم ، کمتر چنین ناراحتی و تکدر خاطری را در امام دیده ام!

امام در وصیتی به فرزندشان می نویسند:

پسرم! سعی کن که با حق الناس از این جهان رخت نبندی که کار، بسیار مشکل می شود. سر و کار انسان با خدای تعالی که ارحم الراحمین است، بسیار سهل تر است تا سر و کار با انسان ها